

رسم آدمیت

چه سری است در یاد کردن خدا که می‌تواند زندگی انسان را تغییر دهد و اصلاح کند؟ اینکه خداوند در قرآن کریم، بارها انسان را به اهل ذکر بودن ترغیب می‌کند. جای فکر و تأمل بسیار دارد، البته اهل ذکر بودن، تنها به تسبیح به دست گرفتن نیست و قفل دل انسان باید با نگاه آن معشوق ازل، باز شود و قلب او با یاد خداوند، رام و آرام شود.

بالاترین ذکر خود نماز است که بر همین اساس، خداوند نماز را بر ما واجب و بسیار بر آن تأکید کرده و آن را ستون دین و مایه اصلاح دنیا و آخرت انسان قرار داده است که صبح و ظهر و شب، انسان، هر جا که هست، رو به سوی خالق خویش برگرداند و از کسی یاد کند که از اوست و به‌سوی او برگردانده خواهد شد و باید زندگی خود را برای او و به‌سوی او و با رضایت او بسازد و قدم‌های خود را به برکت همین ذکر به‌سمت خداوند محکم کند.

در این بین، روی سحر و عبادت سحر و تأثیر آن در زندگی فرد، تأکید بیشتری شده است که:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود یکی از سعادت‌های انسان همین است که بتواند اهل سحرخیزی و یاد کردن خداوند در هنگام سحر باشد که این یاد کردن و ذکر خداوند یا با خواندن نماز شب می‌تواند باشد یا با قرآن خواندن در سحر یا با زیارت رفتن‌های صبحگاهی و هر برنامه ثابتی که انسان به‌طور پیوسته برای خودش تعیین می‌کند که روز او را روشن کند. علاوه بر آن به ما گفته‌اند مهم است که شروع کارها با یاد خدا باشد و انسان روز خود را با یاد او آغاز کند و چشم خود را با صدا زدن خداوند، همراه دیگر موجودات باز کند که گفت:

آخر این رسم رسم آدمیت نیست مرغ، تسبیح‌گوی و ما خاموش! «بسم...» گفتن، خودش از بهترین اذکار است و اینکه انسان وقتی می‌خواهد از منزل خارج شود، توصیه شده است که با خودش پاره‌ای از اذکار را زمزمه کند، مثل این آیه شریفه که می‌فرماید:

وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

و عادت به مداومت و خواندن آیت‌الکرسی که بسیار توصیه شده است. و نیز این روایت زیبا از حضرت رسول اکرم^(ص) است که فرمودند: «من قال – یعنی: إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ – بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ... وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، يُقَالُ لَهُ: هُدِيََتْ وَكُفِّيتْ وَوُقِّيَتْ، وَتَنَحَّى عَنْهُ الشَّيْطَانُ»، «هر که هنگام بیرون آمدن از خانه‌اش بگوید: بسم...!... تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ... وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، به نام... بر...!... توکل کردم و هیچ قدرت و توانایی جز از طرف او نیست، به او گفته می‌شود: برای تو کافی است، هدایت و کفایت و محافظت شده‌ای و شیطان از او فاصله می‌گیرد».

جدا از آن به‌طور کلی انسان باید لسان خود را به اذکار مختلف مثل استغفار واستغفرا... گفتن و ذکر لاله‌الا... و ذکر شریف صلوات بر محمد و آل محمد^(ص) که توشه عمل انسان راستگین و بلارازا و دورمی‌کند، عادت بدهد.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما و خانواده ما را از غافلان قرار ندهد و با یاد خود، زندگی ما را روشن و امورمان را اصلاح کند و آرامش و سعادت در دو دنیا را روزی مان گرداند. ان شاء الله!...

شرح حدیث

میهمان را گرمی بدار

شرحی بر حدیث «أَكْرَمُ الضَّيْفِ وَقَوْلُكَ كَافِرًا»

در دین مبین اسلام برای حرکت‌های اخلاقی و اجتماعی، آدابی ذکر شده است که بیشتر آن‌ها از قرآن کریم و روایات گرفته شده‌اند. در اسلام، میهمان حرمت ویژه‌ای دارد. عبارت مشهور «أَكْرَمُ الضَّيْفِ وَقَوْلُكَ كَافِرًا» میهمان را اکرام‌کن، هر چند کافر باشد، بر همین معنا دلالت می‌کند. نقل شده است که این توصیه را پیامبر اکرم^(ص) به حضرت علی^(ع) درباره تکریم میهمان کرده‌اند و درباره میهمان کافر و مسلمان، تفاوتی وجود ندارد. همین‌که فردی به‌عنوان میهمان وارد خانه شد، باید جایگاه ویژه‌ای برای او در نظر گرفت. از نظر پیامبر، احترام به میهمان و رسیدگی به او واجب است: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِإِلَهِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ، هر که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، باید میهمانش را اکرام کند»، «جامع‌الاخبار»، ص ۳۷۷، ح ۱۵۵۳. خوب است بدانیم در میان همه اموری که جزو گرامیداشت میهمان شمرده شده است، خوش‌رویی و ابراز مهر و محبت به میهمان، جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع بدون رعایت این اصل، همه تلاش‌های میزبان برای گرامیداشت میهمان، بی‌ثمر خواهد بود. لذا در روایتی از امام علی^(ع) آمده است: «وَجْهٌ مُسْتَبْشِرٌ خَيْرٌ مِنْ قُطُوبٍ مُؤْتِرٍ، چهره گشاده، از ترش‌روی ایثارکننده، بهتر است».

این سخن به‌روشنی به این نکته اشاره می‌کند که ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود که به‌مراتب از میهمانی ارزشمندتر است، اگر با خوش‌رویی همراه نباشد، ارزشی ندارد، چه رسد به میهمانی.

رسول خدا^(ص) در حدیث دیگری می‌فرمایند، «إِذَا جَاءَكُمُ الزَّائِرُ فَأَكْرِمْهُ، هرگاه فردی به دیدارتان آمد، او را گرمی دارید»، «فردوس، ج یک، ص ۳۳۹، ح ۱۳۵». برخی رفتارهای پیامبر^(ص) در برابر میهمان، بیانگر حرمت و احترامی است که آن حضرت برای آنان قائل بود. «هنگامی که گروه‌هایی به دیدار پیامبر اکرم^(ص) می‌آمدند، آن حضرت بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید و اصحاب را نیز به این کار امر می‌کرد» (طبقات الکبری، ج ۴، ص ۸۵۸).

پوشیدن بهترین لباس‌ها و برقراری ارتباط رسمی فراتر از روابط معمولی، نشان‌دهنده اهمیت و ارزشمندی جایگاه میهمان است. امام موسی‌بن جعفر^(ع) می‌فرماید: «هنگامی که برای پیامبر میهمان می‌آمد، همچنان با او بر سر سفره می‌نشست و هرگز پیش از میهمان دست از سفره نمی‌کشید» (سنن النبی، ص ۱۴۰). غزالی می‌گوید: «سنت پیامبر این بود که میهمان را تا در خانه بدرقه می‌کرد».

در حدیثی از شیوه رفتار امام جعفر صادق^(ع) با میهمان، چنین می‌خوانیم: «جماعتی از قبیله جهنیه نزد امام صادق^(ع) آمدند. چون خواستند از نزد ایشان بروند، امام صادق^(ع) دستور داد برای آنان توشه مسافرت ببندند و به آنان صله داد، ولی به غلامان خود فرمود در بستن بارهیشان به آنان کمک نکنند. چون میهمانان از مقدمات حرکت فارغ شدند و برای خدا حافظی خدمت آن حضرت آمدند، پرسیدند: یابن رسول الله!...! به بهترین شکل از ما پذیرایی کردی. پس چرا در آخر به غلامان خود دستور دادی که در بستن بارها به ما کمک نکنند؟ حضرت فرمود: ما اهل بیت، میهمانان را برای رفتن از نزد خود کمک نمی‌کنیم».

شماره

شماره ۲۷
مهرماه تابان ۱۳۹۲
۴شنبه

شماره ۱۴



مهر



در گفت‌وگو با کارشناس مذهبی بررسی شد

کرامت انسان در پرتو تعالیم قرآن



حجت‌الاسلام والمسلمین اخوی:
چرا ما صفات نکوهیده و نیز پسندیده داریم؟ چون انسانیت انسان در این تضادها مشخص می‌شود

قلب را از غیر خدا خالی کنید

باید مراقب بود. اگر به بیماری‌هایی مثل غرور، ریا و حسد مبتلا شویم، کرامت انسانی‌مان از بین می‌رود. باید درصدد اصلاح برآییم و قلب را از غیر خدا خالی کنیم. انسان باید موانع انسانیت را بشناسد و بکوشد از آن‌ها دور شود و در این مسیر نیفتد.

از نعمت عقل استفاده کنیم

در این مسیر عقل به‌عنوان حجت باطنی، چراغ راه و هادی آدمی است. به تعبیر امام‌کاظم^(ع) در خطاب به هشام، ما دو حجت داریم، یکی ظاهری که انبیا و اولیای الهی هستند و دیگری باطنی که عقل است. باید از این مسیر، موانعی استفاده و مسیر انسانیت را پیدا کرد تا به وعده قرآن، به مقصد دیدار خداوند برسیم.

سرمایه‌گذاری سودآور

از امیرالمؤمنین^(ع) نقل است که: «تو فکر می‌کنی جرمی صغیر هستی، نه، عالم بزرگی در تو تعبیه شده است. این عالم بزرگ همان انسانیت است». «رسد آدمی به جایی که به‌جز خدا نبیند» به تعبیر علم اخلاق، اگر انسان به‌مقام انسانیت خود واقف شود، حتما برای حفظ و تعالی آن اقدام برمی‌دارد. طبیعتا در این مسیر، موانعی هم وجود دارد و راهنمایی‌ها را هم خدا برای ما قرار داده است. این‌طور نیست که آدمی را برای خور و خواب، خلق کرده باشد.

چرا در مواجهه با این موانع، شکست می‌خوریم؟

ما خود را تزکیه نکرده و جلوی حربه‌های شیطان را نگرفته‌ایم، به همین دلیل است که در رویارویی با این موانع، شکست می‌خوریم. از امیرالمؤمنین^(ع) پرسیدند چرا شما این قدر خوب هستید؟ فرمودند: «برای اینکه نداشتن چه می‌کند و چه درمانی دارد. نکته دوم آنکه برای غیر خدا را در آن راه ندهید. وقتی دریچه قلب باز شود، هر چیز نامربوطی وارد آن می‌شود و در مواجهه با موانع انسانیت، شکست می‌خوریم.

راه‌هایی که باید برویم

رعایت دو نکته مهم در این باره ضرورت دارد، نخست آنکه افرادی که کارگزار اجرای برنامه‌اند و در فضای فرهنگی فعال هستند، مثل جامعه روحانیان، تشکل‌های دانشجویی و... خودشان اهل تهذیب باشند تا درایبند فساد و تهذیب نداشته‌اند! است که برای تربیت شاگرد دیغدغه داشتند و کار می‌کردند و مدام با آن‌ها در ارتباط بودند. در روایت است که پیامبر اکرم^(ص) برای نماز صبح، حضور و غیاب می‌کردند و اگر کسی نبود، حضرت جوابی حال و دلیل غیبت او می‌شدند و اگر بیمار بود، به عیادتش می‌رفتند. این دیغدغه فرهنگی پیامبر^(ص) در جامعه، نشانه پیگیری و تلاش برای حل موانع است. لذا دیغدغه‌مندی و نیز تهذیب شخصی و اخلاق‌مداری اجتماعی، از عوامل به‌کرامت رساندن آدمی است.

اکرامتی که خدا به انسان هدیه داده است

طبق تصریح قرآن کریم، انسان اشرف مخلوقات و عزیزترین مخلوق خدای متعال است و لذا ارزش و کرامت والایی دارد. برای درک این جایگاه، بهترین آموزه و استاد، قرآن کریم است. با نگاهی به آیات این کتاب مقدس، ما با دو نوع کرامت برای انسان مواجه می‌شویم؛ نخست کرامت ذاتی که در خلقت آدمی است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ، ما به انسان کرامت دادیم»، یعنی این خلقت، در ذات کرامت برای آدمی است اما کرامت دیگری هم هست که تمام سرمایه‌گذاری خدا روی آن متمرکز دارد، همان کرامت ارزشی یا پاداشی انسان: «إِنِّي أَكْرَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ... أَتَقَاكُمْ».

باقی راه با خود ماست

خدای متعال می‌فرماید: «ما شما را انسان خلق کردیم اما باقی راه دست خودتان است»، یعنی قدر کرامت ذاتی خود را بدانید و برایش ارزش قائل شوید و به آن اوج دهید و آن را به یاد ندهید. انسان وقتی کرامت ذاتی خود را درک نکند، به جایی می‌رسد که مقامش از حیوانات هم پایین‌تر می‌رود: «وَلَوْ كُنَّا كَالْأَنْعَامِ لَكُنَّا مِنَ الْغَالِبِ»، خدا به انسان، عقل و گوش و چشم داده است. باید از این‌ها استفاده کند تا با درک کرامت ذاتی، به کرامت ارزشی و پاداشی خود برسد، یعنی همان مقام تقوای الهی. کرامت ارزشی با تفکر در جایگاه و عظمت انسانی و تلاش برای رشد و ارتقای آن به‌دست می‌آید. به تعبیر مولوی باید بدانیم «ز کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود، با قدم برداشتن در مسیر تقوا و انسانیت است که کرامت آدمی تأمین می‌شود.

باید بدانیم که فقر مطلقیم

خدای متعال می‌فرماید: «اول بدانید فقیر هستید؛ یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ...» (فقر به معنای انسانی نه مالی). خدا تصریح می‌کند: «ای انسان‌ها! شما فقیرید و خدا بی‌نیاز است». پروردگار در سوره مبارکه انشقاق باز هم انسان را خطاب می‌کند و می‌فرماید: «ذات تو این است که تلاش‌کننده‌ای سرسخت هستی، ای انسان! تو با سختی و تعب، خودت را به‌سوی پروردگارت می‌کشانی و سپس وی را ملاقات خواهی کرد» و نیز تصریح قرآن است که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

موانع تحقق کرامت

در این مسیر ما، هم مانع داریم هم اسبابی که ما را به مسیر انسانیت سوق می‌دهد. چرا ما صفات نکوهیده و نیز پسندیده داریم؟ چون انسانیت انسان در این تضادهای مشخص می‌شود. ما ظلم را دوست نداریم، چون ماهیتا بد است اما امروز در جامعه و در دنیا ظلم را می‌بینیم، مثل قضیه اخیر کرمان و داغدار شدن خانواده‌ها و ملت ایران، مثل ظلم به مردم غزه و فلسطین و دیگر جاهای دنیا. چرا انسان حاضر می‌شود خود را در مسیر ظلم قرار دهد؟ چون موانع را نمی‌شناسد و آن‌ها را برطرف نمی‌کند. ابتدا باید مکان سرمایه‌گذاری را بررسی کنیم. و اگر مناسب نباشد، نمی‌توان سرمایه‌بازارش را در آنجا گذاشت. اگر انسان قلب خود را از ریا، تکبر، ظلم، غرور و حسادت خالی نکند، در مسیر انسانیت موفق نمی‌شود، مثل اینکه شب تا صبح، نماز شب بخوانیم و هنگام صبح غیبت کنیم. همین یک غیبت نه‌تنها ارزش همه نماز شب ما را از بین می‌برد، بلکه ۳۹ روز دیگر هم بدهکار می‌شویم؛ چون در روایت است وقتی غیبت می‌کنیم، چهل روز ثواب اعمال ما به حساب کسی که غیبتش را کرده‌ایم، واریز می‌شود.

خلقت انسان در نظام تمدن ولایی

انسان‌شناسی و انسان‌سازی اهمیت بسیار دارد، اینکه انسان بداند اشرف مخلوقات است. دعوا و بحث ملائکه در خلقت آدم بر سر همین بود که به خدا گفتند این انسان، پیشینه خونریزی و سفاکی و جنایت دارد. خدا پاسخ داد: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید». نکته آنکه خدا انسانی را با فرهنگ و تمدن نظام ولایی خلق می‌کند: «جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»، یعنی انسانی می‌تواند انسانیت خود را پیدا کند که در مسیر نظام ولایی حرکت کند؛ وگرنه از دایره انسانیت خارج می‌شود.

این نظام ولایی، از دستورات قرآن، انبیا و اهل بیت^(ع) به‌دست می‌آید. خدا در ابتدای سوره مبارکه الرحمن، ابتدا به آموزش قرآن کریم و پس از آن به خلقت انسان اشاره می‌کند، این یعنی انسان مدنظر قرآن، فردی است که با تعلیم قرآنی حرکت کرده باشد، وگرنه در مقام انسانیت قرار نمی‌گیرد. ما در مسیر خلقت در نظام تمدن ولایی قرار گرفته‌ایم، نه تمدنی که امثال ویل دورانت معرفی می‌کنند و براساس آن، ابتدا مردم کاری انجام می‌دهند و بعد تمدن می‌شود.

تمدن غربی اروپایی چنین است که هرگروهی کاری می‌کند، در یک بازه زمانی نام تمدن به خود می‌گیرد. در نظام تمدنی غیرولایی

در مسائل اخلاقی و جنسی و... تنزل انسانیت به‌وفور دیده می‌شود، برای مثال در اروپا ازدواج با اشیاء، مرسوم شده است و در

خبرها می‌خوانیم که زنی با فرش خود ازدواج کرده است. این‌ها برای آن است که آدمی در مسیر نظام ولایی قرار نگرفته است که انسانیت خود را بیابد، لذا به نقطه انتحار و انتهای دنیا رسیده است که دست به چنین کاری می‌زند.

برای اینکه انسان، کرامت ارزشی خود را سرمایه‌گذاری کند، نیاز به آموزه‌هایی دارد که در این مدار قرار بگیرد. خوب است نسل جوان ما با کتاب‌های شهید مطهری به‌ویژه «انسان‌وایمان» مانوس شوند که دنیایی حرف در خود دارد و می‌گوید، خدا برای سیر و حرکت و سیورت انسان چه برنامه‌ای دارد. الان اگر یک وسیله کوچک بخریم، شیوه مصرف آن درج شده است. حال مگر می‌شود مخلوقی اشرف مخلوقات باشد و خداوند، برنامه‌ای برای تحقق انسانیت او نداشته باشد؟